گزارش

اعضای منتخب شورای پنجم شهر تهران در دیدار با محمدباقر قالیباف، شهردار تهران

شهردار باید به شورا گزارش دهد

شـــهروند| اعضای منتخب شـــورای شهر تهران عصر دیروز به دعوت محمدباقر قالیباف به دفتر شهردار تهران رفتند تا به گفته خودشان او زمینه ارایه گزارش‌های شهرداری به اعضای منتخب از بخش‌های مختلف شهرداری تهران را فراهم کند.

شهردار تهران که در طول مدیریت ۱۲ ساله خود بر شهر تهران کمتر با خبرنگاران دور یک میز همنشین شده است این بار هم علاقه‌ای به حضور خبرنگاران حوزه شهری در این جلسه چندجانبه نداشـت با وجود این خبرنگار صدا و سیما و خبرنگار سایت شـــهرداری تهران در این جلسه حضور داشتند. حرف‌های زیادی در جمع اعضای منتخب شـــورای پنجم به همراه اعضای شورای فعلی با شهردار تهران رد و بدل شده است. اعضای شـــورای آینده تهران که از هفته‌های گذشـــته به دنبال تهیـــه گزارش از وضعیت فعلی شهرداری تهران بوده‌اند در این نشســـت از شـــهردار تهران درخواست کردند تا بخش‌های مختلـــف شـــهرداری در زمینه جمع‌آوری گـــزارش همـــکاری لازم را با آنها داشته باشـــند. احمد مســـجد جامعی در این جلســـه گفت: «ما می‌توانیم گزارش کاملی از شهرداری داشته باشـــیم چرا که در طول این مدت خیلی کارها صورت گرفته اســـت؛ البته ما ناظر بر مدیریت شهری هستیم و ناظر قطعا مسائلی را بیشتر برجسته می‌کند که به نظرش می‌رسد نقاط ضعف باشند اما این بدین معنی نیست که کار جدی و اساســـی نشده است.» عضـــو فعلی و منتخب شـــورای پنجم شـــهر تهـــران در ادامه به تکذیب‌هایـــی که در اخبار شهرداری وجود داشته است اشاره کرد: «گاهی در شـــهرداری تهران یک سری مسائل مطرح می‌شـــود که تأیید و تکذیب آن را نمی‌دانیم؛ از این رو درخواست داریم بخشی وجود داشته باشد تا این مســـائل را به شهردار تهران منتقل کند و ما نیـــز از روال و قاعده مســـائل مطلع شویم.»

مرتضی الویری که رئیس هیأت سنی شورای پنجم را برعهده دارد هم در این جلسه گفت که شـــهردار تهران باید گزارش کاملی از وضعیت شـــهر تهران به اعضای منتخب شـــورای شهر تهران بدهند: «پیشنهاد می‌کنم شورای پنجم و شهردار تهران نماینده‌ای در این موضوع تعیین کنند تا به جای این‌که به شایعات توجه کنیم، به نماینده شـــهرداری مراجعه کنیم و از صحت و سقم اطلاعات مطلع شویم. البته ما این کار را به صورت غیررسمی شروع کرده‌ایم و تعدادی از مدیران نیـــز برای ارایه گـــزارش حضور پیدا کرده‌اند. در ادامه نیز ارایه این گزارش‌ها در دوره انتقالی می‌تواند کمک زیادی به ما داشته باشد.» او همچنین از شهردار تهران خواست که در یک گزارش، تصویر کلی از وضع شهرداری تهران و اقدامات انجام شده را به شورای چهارم و پنجم و به مردم ارایه دهد: «این گزارش می‌تواند مبدأ و منشأ چند گزارش دیگر نیز باشد که از سوی معاونان شهرداری تهران ارایه می‌شود.»

حسن رســـولی، دیگر عضو منتخب شورای پنجم شهر تهران هم گفت که باید مرکزی مثل مرکز پژوهش‌های شـــورا ایجاد شود تا تجارب شهردارانی مثل الویری، کرباسچی یا قالیباف را جمع آوری و بررسی کند آن هم در شرایطی که محمد باقر قالیباف ۳۲درصد از دوران مدیریت شـــهری را بعد از انقلاب برعهده داشـــته است و آقای کرباســـچی ۱۱ درصد. زهـــرا نژادبهرام، یکی دیگر از اعضایی بود کـــه در این باره حرف زد: «نباید فراموش کنیم که مدیریت شهری با توجه به مجموعه مسائل در شهر درحال حاضر یک نقشه راهی ایجاد کرده است که مردم هزینه آن را داده‌اند. هر قدر که شهرداری فعلی تهران در انتقال تجربه و تعیین مسیر آینده مدیریت شـــهری تهران کمک کند هزینه را برای مردم کاهش داده اســـت و این یعنـــی کاهش هزینه شـــهروندی و ارایه خدمات به مردم. شهر تهران برای رســـیدن به این هدف باید در مسیر تعالی و رشد باشد و ما باید نسبت به شهرمان مسئول باشیم.»

البته محمدباقر قالیباف، شهردار تهران هم به ضرورت ایجاد حاکمیت محلی در شـــهر تهران با توجه به بلندتریـــن دوره مدیریتش در تاریخ شهرداری تهران اشاره کرد. او گفت که آمادگی دارد تـــا گزارش‌هـــای لازم را از هر مقطعی که اعضای شورای آینده شـــهر تهران درخواست کردند در اختیار آنان قرار دهد تا شـــبهات آنان برطرف شود. محمدباقر قالیباف همچنین اعلام آمادگی کرد که اگر اعضا حتی به دو گزینه برای شهرداری تهران برسند هم در ارایه اطلاعات با آنان همکاری کند. به اعتقـــاد نژادبهرام، عضو منتخب شـــورای پنجم شـــهر تهران، رویکرد شهردار تهران نسبت به گزارش‌دهی به اعضای منتخب شـــورای آینده تهران مثبت اســـت. او به «شهروند» گفت که شهردار تهران با حسن نیت وارد شده و این برای ما بسیار ارزشمند است. این حرف‌ها در شرایطی است که اعضای شورای چهارم بارها از نبود شـــفافیت در اطلاع‌رسانی شـــهرداری تهران به اعضا انتقاد کـــرده بودند؛ به‌عنوان مثـــال برخی اعضای منتقد شـــهردار فعلی تهران در حوزه بدهی‌های شهرداری تهران اشخاص حقیقی و حقوقی هنوز هم معتقدند که باید شهردار به آنها گزارش دهد.

گفت‌وگو با خانواده‌های سربازان پادگان ۰۵ کرمان که یک سال پیش در حادثه واژگونی اتوبوس کشته شدند

روی سنگ قبرشان بنویسید شهید

مادران سربازان کشته شده: چون پسرهای ما در لباسِ خدمتِ نظام از دست رفتند، از مسئولان می‌خواهیم که بچه‌های‌مان را شهید اعلام کنند

عکس: محمدرضا طاهری / شهروند

محمدرضا طاهری| هنوز غم در چشم‌ها سنگینی می‌کند و داغ سنگین پسران نتوانسته رخت سیاه را از تن مادرها بیرون کند. پس پشتِ پلک‌هایی که چروک‌های تازه‌ای دارند و در عمق چشم مادران و پدران فرزندان آفتاب و باد، حلقه اشکی همیشگی نشسته. با هر واژه که مادرها از پسرانشان، از جگرگوشه‌های از دست رفته‌شان می‌گویند، پدرهایی که به بغض مجال ترکیدن دهند، بی‌صدا اشک می‌ریزند. حالا درست یک‌سال گذشته، از آن شـب تلخ و شوم تنها اشـک و خاطرات دردناک به جا مانده است؛ شبی که سربازان پادگان ۰۵ کرمان رهسپار خانه‌های‌شان شـدند. قرار بود بعد از دو ماه به دیدار خانواده‌های‌شان بروند. دل تو دل هیچکدام‌شان نبود. دوره سخت آموزشی ســربازی به سر آمده بود و حالا وقت رفتن به خانه بود. پادگان ۰۵ کرمان پر شده بود از ســربازانی که همگی با خوشحالی وسایل‌شان را جمع می‌کردند تا هر وقت به آنها اعلام شد، سوار اتوبوس شوند. با خانواده‌های‌شان تماس گرفتند و خبر خوش بازگشت‌شان را به آنها دادند. مقصد اتوبوس‌ها مشخص بود. هر راننده عازم یکی از شـهرهای کشـور می‌شد. اتوبوس حامل سـربازان از پادگان صفر پنج کرمان، در سـاعت ۱:۱۲ دقیقه‌ی بامداد دوم تیرماه ۹۵ در گردنه لای‌زر نی‌ریز واژگون شـد و به ته دره سقوط کرد، و بر اثر آن ۱۴ سرباز جان باختند و برخی مجروح و زخمی. ۴ سرباز جان‌باخته از آن جمع، اهل شیراز بودند و بعد آن تراژدیِ تلخ، خانواده‌هاشان با هم آشنا شدند، همدلانه، هم‌دردِ هم شدند و بار این مصیبت را با هم تحمل کردند.

امروز سالگشـت آن ۱۴ سـرباز وطن است و جمع آمده‌ایم در منزل یکی از آن پسـرانِ تحصیلکرده که دست اجل مجال زیسـتن را از او گرفت. مادر و پدر، و خاله و شـوهرخاله امین انصاری میزبان ما و خانواده منصور صفـری و مهدی (ماهان) کریمی هسـتند. روزه‌ها با اذان مغرب باز شـده، لحظه پـس از افطار است. از پله‌های ورودی خانه پدری امین بالا می‌رویم، می‌نشینیم در اتاقی که عکس پسر بر دیوارش است، در جمعی صمیمی. پدرها سـاکت نشسـته، تنها به حلقه‌اشک نشسـته در گودخانه‌ی چشم و نگاه خیره بسنده می‌کنند و مادران، مادران انگار تازه داغ فرزند را چشیده و اندوه نبود او را لمس کرده‌اند. ابتدا از روز حادثه می‌گویند، از چگونگی باخبر شدن از رفتن پسر.

امین انصاری، ۲۱ ساله

«هر جا می‌رفتم با من می‌اومد؛ تنهام نمی‌گذاشت... جای خالی‌شو خیلی حس می‌کنم.» امین ۲۱ ساله بود که دوره آموزشی سـربازی را می‌گذراند. کاردانی برق دانشگاه مرودشت خوانده بود، «می‌گفت مامان، دوست دارم سربازی‌مو بیام شـیراز که همزمان یک شرکت راه‌اندازی کنم، کمک حالِ بابا باشم ـ چون کار باباش مصالح سـاختمانیه ـ می‌گفت نمی‌خوام بابام دیگه کار کنه». اشک حلقه‌بسته در چشم پدر آرام می‌غلتد روی صورت گرد و پشت لب. مادر می‌گوید امین اصرار داشت به سربازی برود. «گفت چون داداشم هم‌زمان سربازه، اگه منم اعزام بشـم، دوره سربازی‌م می‌افته شیراز». مکثی و سکوتی: «که دیگه...»

پدر ادامه صحبت مادر را که ریزش اشـک‌هاش بر گونه، قطع کـرده، ادامه می‌دهد. «مرخصـیِ ۷ روزه داشت. دوره آموزشی‌شون تمام شده بود. اون شَب زنگ زد و گفت ما سـاعت ۲ نیمه‌شب می‌رسیم شیراز... ما تا ۳ صبح، ۴ صبح، ۵ صبح منتظرش ماندیم اما هیچ خبری نشـد. هرچه هم به موبایلـش زنگ می‌زدیم، جواب نمی‌داد. حوالی ظهر بود که خانمم از زیرنویس تلویزیون متوجه میشه اتوبوس سربازها تصادف کرده. به من خبر داد. ساعت ۱۱:۳۰، ۱۲ سوار ماشین شدیم به سمت نی‌ریز. ما نمی‌دونستیم چه اتفاقی برای امین افتاده؛ فقط امیدوار بودیم زنده باشه که متاسفانه رفتیم نی‌ریز؛ اون جا بود، در سردخانه دارالرحمه.»

منصور صفری، ۲۵ ساله

«از وقتی به دنیا اومد، تا وقتی که از دست‌مون رفت؛ جز آرامش چیزی ازش ندیدم.» مادر و خواهر منصور آمده‌اند خانه‌ی پـدری امیـن و از آن روز می‌گویند. «بچه ام درسـش خوب بود، راهنمایی و دبیرستان رو مدرسه نمونه اندیشه بود، بعد هم مهندسی سخت‌افزار دانشگاه صنعتی همدان قبول شد. ۴ سال رفت همدان و اومد، همیشه هم در رانندگی احتیاط می‌کرد». مادر می‌گوید منصور اهل مطالعه و عاشق نجوم بود، دوره نجوم و گردشـگری گذرانده بود؛ راهنمـای تور بود. «هنوز عکس‌هاش با توریست‌های خارجی توی صفحه اینستاگرامش هست». مادر از آرامش پسرش تعریف می‌کند، از اینکه «بچه‌های پادگان هم خیلی دوستش داشتند». می‌گوید قرار بوده پسرش اواخر شهریور ۹۵ به خدمت اعزام شود، «اما گفت مامان می‌خوام زودتر برم تا سربازی‌م هم زودتر تموم بشه». پس درخواست «تعجیل» می‌دهد و دوره‌اش چندماه جلو می‌افتد». مادرها به پسرشان خیلی نزدیک‌اند. «خیلی دوستم داشت، هرجا می‌رفتم باهام می‌اومد. اگه خرید داشتم، می‌اومد دنبالم. هیچ‌وقت تنهام نمی‌گذاشت.»

آن روز را، آن روز غم‌انگیز را خیلی خوب یادشـان است. خواهر منصور آن روز صبح سر کار بوده. «پدرم زنگ زد بهم (پدرم در شهرستان جم کار می‌کنه)، گفت بابا یه‌چیزی بهت میگم به هیشکی نگو... گفتم چشم. گفت میگن اتوبوس سـربازها توی راه تصادف کرده. برو ببین منصور چی شده. مامان خونه تنها بود. همون روز اینترنت خونه‌مون قطع شـده بود. وقتی بابا گفت تصادف، ترسیدم. برادر بزرگم از کنگان زنگ زد گفت مجروح‌ها رو بردن بیمارستان شهید رجایی؛ برو اونجا.» بـه‌سـرعت خودش را به بیمارسـتان می‌رسـاند. «بعضی سربازها اونجا بودن. ازشـون سراغ منصور رو گرفتم. آمبولانس مدام بچه‌های مجـروح رو می‌آورد. یکی از سـربازها بهم گفت نی‌ریز هم برید، و سرش رو انداخت پایین و دیگه چیزی نگفت. من دو سـاعتی توی بیمارسـتان بودم، از سـربازهای مجروح سراغ منصور رو می‌گرفتم. خیلـی از خانواده‌هایی که اومده بودن، بچه‌هاشونو پیدا کردن. حالم خیلی بد شده بود؛ گریه می‌کردم. چندتا از خانواده‌ها نگرانم شـدن. یکی از سربازها منصور رو شناخت. گفت آخرین چیزی که از منصور یادمه، اینه که یک تی‌شرت سبز تنش بود و داشت توی اتوبوس می‌خندید...». وقتی این را می‌گوید، لبخند کمرنگی می‌نشیند روی صورتش. «اون لحظه یک‌دفعه حالم خوب شـد. وقتی تصویر منصور رو برام گفت، خوشحال شـدم و به خودم گفتم منصور زنده است.»

می‌گوید یکی از درجـه‌داران ارتش متوجه نگرانی او می‌شود، «سریع لیستش رو چک کرد و با ناراحتی سرش رو انداخت پایین. گفت منصور اینجا نیست. اما کاش تو بری خونه پیش مادرت که تنهاست. از لحن غمگینش یک چیزهایی رو فهمیدم، اما...» مادر اما هنوز خبر ندارد. «من خونه تنها بودم، همون روز هم اینترنت خونه قطع شـده بود و هیچ خبری نداشتم. صبحش بهم خبر دادن که دایی‌م بـه رحمت خدا رفته، گفتم منصور که بیاد با هم میریم برای مراسم دایی. نزدیک ظهر که شد همه زنگ زدن خونه. شوهرم زنگ زد سراغ منصور رو گرفت. گفتم منصور توی راهه، میاد. چون شب قبل که منصور زنگ زد، گفت مامان ممکنه دیرتر برسیم. منم خیال می‌کردم اتوبوس تاخیر داره و دیرتر می‌رسـند. بعد دختر خاله‌م و برادرم زنگ زدن، سراغ منصور رو گرفتند». مادر اما آن روز دلش به امید دیدار پسر روشن بود و حتی خیال بد از سرش نمی‌گذشت. «داشتم لباس‌هاش رو اتو می‌کردم. قبلش یخچال رو پر میوه کرده بودم. براش غذا درسـت کرده بودم که وقَتی می‌رسه با هم ناهار بخوریم». ساعت ۲ بعدازظهر خاله منصور با شوهر و پسـرش می‌آیند خانه. «دیدم چشم‌های خواهرم قرمزه. شـوهرش و پسرش آروم گریه می‌کردن. خواهرم گفت اتوبوس منصور تصادف کرده. یک‌دفعه زانوهام سسـت شد، افتادم زمین.» به مادر می‌گویند پای منصور شکسـته و در بیمارستان نی‌ریز است. مادر و خاله با ماشین راه می‌افتند به سمت نی‌ریز. خواهر سرباز اما خانه می‌ماند. «زنگ زدم به یکی از فرمانده‌های پادگان. پرسیدم چه اتفاقی برای برادرم افتاده؟ با نگرانی از من پرسید شما خونه تنها هستی؟ شاید می‌ترسید که تنها باشم و خبر رو بهم بده. گفتم تنها نیستم. فرمانده زد زیر گریه و گفت به مادرت بگو نیاد نی‌ریز». مادر نـگاه‌اش را می‌دوزد به دختر جوان. «دخترم خیلی به برادرش وابسته بود...». مادر می‌رسد بیمارسـتان نی‌ریز. بعد می‌روند به دارالرحمه نی‌ریز و... مادر نگران پسرهای مادران دیگر است. می‌گوید این گردنه و دره بارها قربانی گرفته و ممکن اسـت باز هم حادثه‌ای در این منطقه رخ دهـد، «چرا وزارت راه این جاده رو اصلاح نکرده بود که ۱۴ بچه ما از دسـت نروند؟»

مهدی (ماهان) کریمی، ۲۳ ساله

«یک دختر دارم و ماهان». مهندسی هوافضا خوانده بود. «آن شب ساعت ۱:۱۰ دقیقه به پدرش زنگ زد و گفت ساعت ۳:۳۰ بیایید ترمینال دنبالم. پدرش رفت ترمینال اما اتوبوسی نیامد. تا اینکه ساعت ۵:۳۰ یک اتوبوس سربازها می‌آید ترمینال و یکی از سربازها آقای کریمی رو می‌بینه؛ و میگه وای بابای ماهان...». به پدر ماهان می‌گویند اتوبوس پسـرش چپ شده. «سریع آمد دنبال من و با عجله راه افتادیم به سمت نی‌ریز. پدر ماهان توی راه به یکی از فرمانده‌های پادگان زنگ زد و او به ما گفت سر صحنه تصادف نروید، مستقیم بروید بیمارستان نی‌ریز. پسرم امامیان مجروحان بیمارستان نی‌ریز نبود. بیمارستان خیلی شلوغ بود.» گونه‌هایش حالا خیس شـده. «یکی از سربازها صورتش پرِ خون بود. دستپاچه با دست‌هام خون روی گونه‌اش رو کنار زدم ـ چون ماهان من یک خال روی صورتش بود ـ اون سرباز شیرازی بود و ماهان رو می‌شناخت، می‌دونست که فوت شـده. برای اینکه دل من خالی نشـه گفت ماهان سالمه، نگران نباشـید. همون موقع همسرم و دامادم رفتند دارالرحمـه، من اما همین جور توی اون بیمارستانِ مونده بودم و دور سر خودم می‌گشتم. چند دقیقه بعدِ همسرم آمد. گفتِ بریم دارالرحمه. یکی از درجه‌دارها نگرانم شد، می‌خواست من آنجا نروم؛ گفت شما نیایید دارالرحمه». حالا صداش می‌لرزد. «نشستم توی ماشین که یه لحظه احسـاس کردم پسرم داره صدام می‌زنه و...». اشک، پهنای صورت اتاق را پوشانده. «همین یه دونه پسر رو داشتم؛ به چه زجری بزرگش کردم.»

آرزو داریم اسم «شهید» را روی سنگ پسرهای‌مان بنویسیم

بعدِ تراژدی سقوط اتوبوس سربازان صفر پنج کرمان به دره لای‌زر نی‌ریز و جان باختن ۱۴ سرباز، محمدجواد جمالی نوبندگانی نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: سربازان کشته شده سانحه واژگونی اتوبوس حامل سـربازان وظیفه، «از لحاظ معنوی شهید محسوب می‌ شوند اما متأسفانه نمی‌توان این لقب را به آن‌ها اطلاق کرد؛ چراکه قوانین بنیاد شهید و امور ایثارگران در این مورد بسیار سفت و سـخت اسـت و بار حقوقی برای این سازمان ایجاد می‌شـود.». مادرها می‌گویند «ما می‌دانیم و متوجه هستیم که ارتش و بنیادشـهید ضوابط و قانون‌های خاص خود را برای شـهید اعلام کردن سربازها دارد، اما ما هیچ‌چیزی ـ نه پول، نه حقوق ـ از بنیاد شـهید نمی‌خواهیم؛ اما چون پسرهای مادر لباس خدمتِ نظام از دست رفتند، از مسئولان می‌خواهیم که بچه‌های‌مان را شـهید اعلام کنند و ما بتوانیم عنوانِ شهید را روی سنگ‌شان بنویسـیم.» اتاق رنگ اندوه دارد؛ پدرها با حلقه اشکی در چشم‌نشسته، به هیچ کجا خیره، هیچ نمی‌گویند. وقتِ رفتن است، مادرِ امین انصاری، کتاب «تفسیر سـوره مُلک» را هدیه می‌دهد. روزهای آخر رمضان‌المبارک است.

اعضای منتخب شورای شهر تهران مقرر کردند که تا ۱۴ تیرماه ۳ نفر را به‌عنوان نامزد شهرداری معرفی کنند

معرفی شهردار تهران قبل از شروع شورا

استعفای هاشمی از عضویت در شورا تکذیب شد

حجت نظری: همه ۲۱ نفر از اعضای منتخب شورا به خارج‌نشدن اعضا از شورای پنجم رأی دادند

شهروند| شورای پنجم شـهر تهران تا قبل از آنکه جلسات رسمی آن آغاز شـود، در پی معرفی شهردار تهران است و بعد از ۱۴ تیر تا اواسط مردادماه آنچه قرار است از سـبد رأی اعضای منتخب شورای پنجم خارج شود، هر نامی است جز نام ۲۱ نفری که در شورای عضو هستند. نام محسن هاشمی‌رفسنجانی که در یک‌ماه گذشته و بعد از مشخص‌شدن نتایج انتخابات شورای شهر تهران بارها به‌عنوان گزینه شهرداری تهران مطرح بود و البته احتمال رفتن احمد مسجدجامعی هم با توجه به سابقه‌اش در وزارت ارشاد وجود داشت اما حالا طبق تازه‌ترین توافق اعضای منتخب شورای پنجم شهر تهران دیگر هاشمی، مسجدجامعی و هیچ کدام از اعضای دیگر شـورا تا پایان این چهارسال نمی‌توانند مسئولیتی که قابل جمع با عضویت در شورا نباشد را به عهده گیرند. البته محسن هاشمی تمایلی ندارد در این باره با رسانه‌ها حرف بزند اما حجت نظری یکی از اعضای شـورا گفته که همه ۲۱ منتخب شورای پنجم به این توافقنامه رأی داده‌اند. تا پیش از این قرار بود که هر کدام از این ۲۱ نفر در جلسه دیروز ۳ گزینه برای شهرداری تهران معرفی کنند امـا از آنجایی که برخی هنـوز به تصمیم نهایی نرسـیده بودند، بنابراین مهلت دوباره‌ای به خود دادند. حسـن خلیل‌آبادی یکی از همین اعضاست که درباره آخرین جلسات شورای پنجم به مهر گفت که هر کدام از اعضا تا ۱۴ تیرماه سـه‌نفر را به‌عنوان نامزد شهرداری معرفی خواهند کرد، چون برخی از منتخبان گزینه‌های خود را معرفی کرده اما برخی نه: «البته هنوز مشخص نیست شورای پنجم در نیمه‌مرداد تشکیل می‌شود یا در شهریورماه و هنوز این اختلاف‌نظر رفع نشده اما در هرصورت چه مرداد و چه شهریور، گزینه نهایی مشخص خواهد شد.» چندماه قبل مجلس مصوب کرد که شورای پنجم نیمه‌مرداد شروع شـود اما هنوز شورای نگهبان موضوع را بررسی نکرده است، بنابراین اگر تا نیمه‌های مرداد شورای نگهبان آن را تأیید نکند، شورای آینده هم از نیمه‌های شهریور آغاز خواهد شد. او البته درباره توافق جدید اعضای شـورا برای استعفاندادن از شورا با حذف بند ۱۶ مشخصات عمومی شهردار تهران که براساس آن اعضای شورا هم می‌توانستند به‌عنوان گزینه شهرداری مطرح شـوند، توضیح داد: «نه آن تصمیم‌گیری، چراغ سبزی به شهردارشدن یکی ازمنتخبان شورای پنجم است و نه تصمیم‌گیری امروز چراغ قرمزی در این‌باره، بلکه شورای پنجم قصد دارد به تعهدی که به مردم درباره یکپارچگی داده، عمل کرده و به خاطر هیچ سمتی چه شـهرداری، چه وزارت و چه وکالت از عضویت در شورا استعفا ندهد؛ بنابراین شورای پنجم با هیچ‌گونه استعفا موافقت نخواهد کرد.» روزهای نخست این هفته اعضای منتخب بند ۱۶ را حذف کرده بودند، چون به اعتقاد آنها این بند به شـرایط انتخاب شهرداری ارتباطی نداشت. همان زمان هم از یکی از اعضای شـورای منتخب که نخواست نامش فاش شود، به «شهروند» گفت که این بند حذف شد تا در جای دیگر موضوع خارج‌نشدن اعضا از شورا را مطرح کنیم. الویری هم درباره بحث انتخاب شـهردار از میان اعضای شـورا گفته بود که اگر فردی می‌خواهد از شورا به شـهرداری برود، دو قفل را باید باز کند؛ رأی کافی برای شهردارشـدن و جلب‌نظر شـورا برای اسـتعفا. اگرچه انتظار برای انتخاب شهردار بعد از رسمی‌شدن شـورای پنجم است، اما اعضای شورای پنجم قصد دارند تا قبل از شـروع رسمی شورا گزینه شهرداری را معرفی کنند. محمد علیخانی یکی دیگر از اعضا هم گفته است که اعضای شورا در تلاشند تا قبل از آغاز رسمی شورای پنجم، شهردار را مشخص کنند تا از زمان باقیمانده استفاده کنند: «اولویت ما یک شورای منسجم برای آینده اسـت، درحالی که هم‌اکنون هیچ اختلاف‌نظری در بین ۲۱ عضو شورای پنجم وجود ندارد، به‌طوری که برخی از خارج شورا به دنبال مطرح کردن برخی از مسائل و ایجاد حساسیت در شورا هستند.»

مهم نظارت‌پذیری شهردار آینده تهران است

محمد سـالاری، عضو فعلی شـورا و عضو منتخب شورای پنجم شهر تهران هم در این‌باره به «شهروند» گفت که برای انتخاب شـهرداری تهـران باید وقت بیشتری صرف شود: «پیشـنهاد تعویق زمان انتخاب شـهردار را در جلسه شـورای منتخب مطرح کردم و با آن موافقت هم شـد. با توجه به زمـان زیادی که تا شـروع شـورای پنجم مانده و گزینه‌ها برای کابینه دولت هم مطرح هسـتند، بنابراین شاید زمان زیادی لازم باشـد ضمن اینکه ممکن است گزینه‌ها تمایلی برای شهرداری تهران نداشته باشند.» او معتقد است که صحبت از گزینه‌ها در فضای کنونی درست نیست: «ما باید در شورا به یک چارچوب کلی برسیم و ممکن اسـت هر حرفی جانبداری از گزینه‌ها محسوب شود. مهم این است که شهردار آینده براساس فرآیند درستی انتخاب شود و کسـی باشـد که در تراز ملی شهردار موفقی باشـد، آن هم با مشکلات و چالش‌های کنونی تهران.» کارشناسـان بارها عنوان کرده‌اند که انتخاب شهردار، انتخاب یک نفر نیست، انتخاب یک تیم است و شورا باید به آن تیم رأی بدهند. حالا البته سالاری هم تقریبا همین نظر را دارد: «مهم نظارت‌پذیری شهردار آینده تهران که چینش کابینه خود نظر اعضای شورا را هم بگیرد. شهردار آینده حداقل باید نفرات اصلی خود را هماهنگ با نظر شورا انتخاب کند. هر چند در قانون شورا این موضوع پیش‌بینی نشده اسـت، اما اتفاقات شورای قبل درباره انتخاب‌های اشتباه شورای پنجم را به این نتیجه رساند که راهبری و مدیریت کسانی که شهرداری در معاونت‌ها به کار می‌گیرد را برعهده گیرد.»

مراحل انتخاب شهردار آینده تهران

تا به‌حال افراد زیادی برای تصدی شـهرداری تهران مطرح هسـتند که البته به اعتقاد علیخانـی هنوز در جلسات شورا به صورت رسمی حرفی درباره آنها نبوده است و اعضا ۱۰ روز بعد هر کدام سه‌نفر را انتخاب خواهند کرد. هر نامزدی که برای شهرداری معرفی می‌شود، باید حداقل ۵ رأی داشته باشد تا بعد اعضای منتخب شورای پنجم به لیست ۵نفره‌ای برسند. بعد هم قرار است ۵نفر میثاقنامه‌ای را با اعضای شورا امضا کنند تا در نهایت برنامه و کادر پیشنهادی آنها در شـورا بررسی شود. در مرحله بعدی اعضا از میان این ۵نفر به ۲ گزینه خواهند رسید تا گزینه نهایی برای شهرداری تهران انتخاب شود که البته الویری، یکی از اعضای شورا گفته که رأی‌گیری نهایی در نخستین جلسه علنی شورای پنجم انجام می‌شود. اگرچه تا پیش از این محسن هاشمی در میان گزینه‌ها بود اما حالا همزمان با حذف او، صحبت از افراد دیگری اسـت. عباس آخوندی، وزیر راه‌وشهرسـازی که البته ماه‌های قبل گفته بود تمایلی به حضور در شورا ندارد، حالا دوباره نامش درمیان گزینه‌هاسـت و اتفاقا یکی از منتخبان شـورای پنجم شـهر تهران هم درباره آن حـرف زده. همچنین محمدعلی نجفی، محمودحجتی، سیدحسین مرعشی و حبیب‌الله بیطرف هم از دیگر افرادی هستند که نامشان مطرح اسـت. البته محمدعلی نجفی دیروز در حاشیه جلسـه هیأت دولت گفت که صحبت جدی برای شهردارشدن من برای تهران نشده، اما اگر پیشنهاد شـود، روی آن فکر می‌کنم: «البته بین اعضای شورای شهر وقتی صحبت از کاندیداها بوده، نام بنده هم مطرح شده، اما صحبت جدی نشده است.» هفته قبل هم الیاس حضرتی، نماینده اصولگرا نام محمـود حجتی همراه محسن هاشمی را به‌عنوان گزینه‌های اصلی شهرداری مطرح کرد. البته دیروز همزمان با اعلام حذف هاشمی از میان گزینه‌های شهرداری شایعاتی هم درباره استعفای او از عضویت در شورای شهر تهران در شبکه‌های اجتماعی شـکل گرفت اما دفتر مهندس هاشـمی با بی‌اساس خواندن این شایعات، این احتمال را تکذیب کرد.

روی خط خبر

درخواست از خیران برای کمک به آزادی یک محکوم جرایم اقتصادی

۶ سال زندان برای ۳۶ میلیون تومان

شهروند| «محمد» محکومی است که تنها برای ۳۶ میلیون تومان، ۶ سال است در زندان به سر می‌برد. محمد ۶ سال پیش در جریان یک معامله، نتوانست چکش را نقد کند و به دلیـل ناتوانی در پرداخت، به زندان افتاد. او مدارکی که حکایت از بیماری پدرش دارد، همراه با حکم اعسار و حکم دادگاه را برای دفتر روزنامه «شهروند» فرستاده است و تمامی این مدارک در اختیار روزنامه اسـت. محمد در تماس تلفنی با «شـهروند» وضع مالی خود و خانواده‌اش را تشریح کرد و از خیران خواسـت تا برای آزادی‌اش از زندان کمک کنند: «الان ۶ سالی می‌شـود که در زندان هستم، آن هم برای ۳۶ میلیون تومان. وضع مالی ما به هیچ وجه مناسـب نیست، پدرم بیماری تنفسی مزمن دارد، مادرم مبتلا به سرطان است و درمان آنها هزینه‌های زیادی می‌طلبد. آنها توانایی پرداخت این مبلغ را ندارند، از آن طرف دوست و آشنایی هم ندارم که بتواند این مبلغ را برایم فراهم کند.» با پیگیری‌های محمد و خانواده‌اش، او مشمول قانون اعسار هم شده، یعنی ناتوانی مالی‌اش از سـوی دادگاه محرز شده اسـت. دادگاه در تاریخ بیست‌ونهم تیرماه سال ۹۵، با توجه به شرایط مالی این محکوم اقتصادی، اعسار او را پذیرفته و این رأی را صـادر کرده که محکوم با پرداخت ۵ میلیون تومان به صورت نقدی می‌تواند از زندان آزاد شـود و پس از آزادی باید هر ماه مبلغ یک‌میلیون تومان را به مدت یک‌سال پرداخت کند و پس از پایان یک سـال، هر ماه سه‌میلیون تومان بپردازد تا بدهی‌اش تمام شـود. حـالا «محمد» از خیران می‌خواهد تا برای رهایی‌اش از زندان کمک مالی کنند. خیـران در صورت تمایل به کمک مالی برای آزادی این زندانی جرایم مالی، می‌توانند با دفتر روزنامه تماس بگیرند. شماره تماس: ۴۴۹۵۶۱۰۱ داخلی ۱۰۴ و ۱۰۵، گروه اجتماعی.

به دنبال ۳ آتش‌سوزی در کهگیلویه و بویراحمد اتفاق افتاد

درخواست فوری از مردم برای مهار آتش

ایسـنا| آتش‌سـوزی شـدید جنگل‌هـا در «طسوج»، «دنای شـرقی» و «مارگون»، مدیر کل منابع طبیعی کهگیلویه و بویراحمد را به درخواست کمک از مردم برای مهار آتش واداشـت. دراین‌باره عزت‌الله بهشـتی فرد، گفت: «مردم منتظر نمانند که کسـی از آنها بخواهد بلکه به محـض اطلاع از آتش‌سوزی به کمک منابع طبیعی بیایند.» به گفته او، از ابتدای امسال تا روز سه شنبه، ۳۰ خردادماه ۳۷ فقره آتش سوزی در جنگل‌ها و مراتع این استان رخ داده که ۱۸۵ هکتـار از منابع طبیعی طعمه حریق شـد. این درحالی اسـت که در مدت مشابه‌سـال گذشته ۱۷ فقره آتش سـوزی رخ داده بود که ۳۰۰ هکتار از جنگل‌ها و مراتع این استان در آتش سوخته بودند. به گفته فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری کهگیلویه و بویراحمد آتش سوزی شدید در جنگل‌ها و مراتع بخش «مارگون» ساعت ۱۲ ظهر چهارشنبه اتفاق افتاد و به دلیل پوشش بالای علوفه و وزش شدید باد گسترده، شدت گرفت. محمدرحیم برزمند درباره جزییات این حادثه در جنگل‌ها و مراتع منطقه «بیدگـره موگر» بخش مارگـون ادامه داد: «فعلا میزان خسـارت وارده مشخص نیست و علت آتش‌سوزی نامعلوم اسـت. برخی نیروهای مردمی درحال تلاش برای خاموش کردن آتش هسـتند اما به‌شـدت به کمک نیاز داریم. تا ظهر دیروز دو اکیپ از نیروهـای منابع طبیعی شهرسـتان بویراحمد و استان به این منطقه اعزام شده است.» فرمانده یگان حفاظـت منابع طبیعی کهگیلویـه و بویراحمد در عین حال از وقوع آتش سوزی برای چهارمین بار در منطقه حفاظت شده دنای شـرقی خبرداد و گفت: «آتش‌سـوزی مجددا درحوزه محیط‌زیست برای چهارمین بار در پشت روسـتای گنجه‌ای یاسوج در منطقه حفاظت‌شده دنای شرقی رخ‌داده است.»

ویژه

رئیس کانون بانک‌ها و موسسـات اعتباری خصوصی در گفت‌وگو با خانه ملت:

مردم نگران سپرده‌های خود نباشند

رئیـس کانـون بانـک‌ هـا و موسسـات اعتباری خصوصی، با بیان اینکه تعدادی از افراد و اشـخاص به هر دلیل منافعـی در بازار غیرمتشـکل پولی دارند که به این نوع شـایعات دامـن می زنند، افزود: شـایعاتی مبنی بر ورشکستگی بانک پارسـیان مربوط به کلیپی در خصـوص تجمع سـپرده گـذاران موسسـه مالی ثامن الحجج بـوده که در سـال‌های ۹۴ و ۹۵ صورت گرفته اسـت. وی ادامه داد: سـاماندهی موسسه مالی ثامن‌الحجج با حکم شـورای پول و اعتبار، دستور بانک مرکزی و با هماهنگی قوه قضائیه و دستگاه‌های امنیتی و مصوبه شـورای امنیت از سوی بانک پارسیان در حال انجام است که در این میان عده‌ای را علیه بانک مرکزی و بانک پارسـیان تحریک کردند و تجمعاتی را سامان دادند؛ امروزه برخی از تجمعات سـال پیش را در قالب کلیپ‌ها منتشـر کرده تا شایعه ورشکسـتگی را دامن می زنند . سـاماندهی موسسـات مالی و تعاونی های غیرمجاز منافع شخصی برخی را به خطر انداخته است پرویزیان با بیان اینکه یکی از ابعاد مهم شایعاتی مبنی بر ورشکسـتگی بانک ها و موسسـات مالی به موضوع سـاماندهی موسسـات مالی و تعاونی‌هـای غیرمجاز مربوط می‌شـود، گفت: ساماندهی موسسـات مالی و تعاونی های غیرمجاز منافع شـخصی تعدادی از افراد را به خطر انداخته و از این رو شـاهد چنین شـایعاتی هسـتیم، که البته با وحدتی که بین مقامات مسـئول در مجلس شورای اسلامی، دولت، قوه قضائیه رخ داده موضوع سـاماندهی و مدیریت بهتر بازار غیرمتشـکل پولی تداوم پیدا خواهد کرد.